

## مطبوعات و انتخابات

### چهاردهمین دوره مجلس شورای ملی (۱۳۲۲)

#### مسعود کوهستانی نژاد

اشاره

انجام انتخابات مجلس شورای ملی در ایران دارای یک سابقه نودساله است. کیفیت و چگونگی انجام انتخابات بستگی به عوامل متعددی داشته که مهمترین آنها را می‌توان در دو عامل دولت و جبر عمری جامعه جست‌وجو کرد. در این میان بدون شک مطبوعات را نیز می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر جریان انتخابات مجلس نام برد. در طول دوره‌های مختلف قانونگذاری، انبیاال مردم نسبت به انجام انتخابات متفاوت برده است. گاهی انجام انتخابات همراه با بروز شرور و شمش و هیجان سیاسی در میان مردم بوده و گاهی سکون و رخوت جایگزین شور و هیجان می‌شده است. به تبع آن، مطبوعات نیز در ارتباط با انتخابات وضعیت مشابهی داشتند. گاهی زمان انتخابات، صفحات جراید مملو از اخبار، گزارشات و آگهی‌های تبلیغاتی و انتخاباتی می‌شده و زمانی نیز از سوری دولت، مطبوعات وظیفه‌ای جز ابلاغ اخبار انتخابات به مردم را نداشته‌اند.

در میان تمام دوره‌های انتخاباتی مجلس شورای ملی، بدون شک انتخابات چهاردهمین دوره مجلس حکایتی جدا و حدیثی مفصل‌تر از بقیه دارد. این انتخابات در سال ۱۳۲۲ انجام شد و اهمیت ویژه آن، بدین سبب است که پس از گذشت سال‌ها نخستین باری بود که انتخابات در فضایی آزاد انجام می‌شد. علی‌رغم آنکه در سوم شهریور ۱۳۲۰، بر اثر هجوم نیروهای متنفذین به ایران، رضاشاه به خارج از کشور گریخت، لیکن انتخابات دوره سیزدهم مجلس تقریباً در دوره سلطنت او و در شرایطی انجام شده که دیکتاتوری با تمام شدت در سراسر کشور برقرار بود. از سوی دیگر به‌دنبال وقایع سوم شهریور ۱۳۲۰، نیروهای متنفذین (بریتانیا، شوروی) وارد ایران شده و تا سال ۱۳۲۴ در ایران باقی ماندند بنابراین، انتخابات مجلس چهاردهم در هنگام حضور نیروهای خارجی در ایران انجام شد. البته حضور نیروهای خارجی، ضعف قدرت دولت ایران، سلطنت تازه هنگام محمدرضا پهلوی و از هم پاشیدن نوای نظامی و انتظامی ایران از جمله عواملی بودند که در ایجاد و تشدید فضای باز سیاسی در سال ۱۳۲۲ مؤثر بودند. در چنین فضایی، انتخابات مجلس چهاردهم آغاز شد. رجوع آزادی کامل مطبوعاتی سبب حضور همه‌جانبه روزنامه‌ها و مجلات در انتخابات شد. فعالیت مطبوعات در آن زمان نقطه درخشانی در کارنامه جراید در ایران است که بنا به اهمیت موضوع بحث این مقاله را اختصاص به بررسی نقش

مطبوعات در انتخابات مجلس چهاردهم دادیم. این بحث در دو قسمت عرضه می‌گردد. در قسمت نخست مباحث مطرح شده از سوری جراید در خصوص موضوعات اساسی انتخابات بررسی می‌شود. با طرح این مباحث تصویر شفاف و دقیقی از وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن زمان ایران توسط مطبوعات به مردم ارائه شد. واقعات به‌طوری عریان مورد بحث قرار گرفت و این وضعیت به‌تجوی برد که می‌توان گفت مطبوعات آینه تمام‌نمای جامعه شده بودند. در همین قسمت و در این رابطه نقش جراید در تشویق مردم به شرکت در انتخابات نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در قسمت دوم تأثیر تبلیغات مطبوعات و جراید بر روی روند انتخابات و میزان حضور مردم در آن بررسی می‌شود. البته لازم به ذکر است که در این زمان راديو تهران نیز سال‌های اولیه حیات خود را می‌گذراند و به‌همین علت و نیز به‌دلیل وابستگی آن به دولت نمی‌توان نقش خاصی برای آن در انتخابات قائل شد.

به‌روروی بحث مطبوعات و انتخابات مجلس چهاردهم، نمونه‌ای تمام عیار از نقش مطبوعات در وقایع سیاسی و اجتماعی ایران است که جای دارد به‌طور مفصل‌تری مورد بررسی قرار گیرد.

نخستین موضوع مورد اشاره در بررسی مطبوعات در جریان انتخابات مجلس چهاردهم، معرفی مفهوم و جایگاه انتخابات و مجلس در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران بود. «... انتخابات یعنی ایامی که افراد ملت هریک مقدرات دوساله خود را می‌خواهند در دست یک نفر قرار داده و او را از طرف خود همه‌گونه اختیار دهند. در زندگی یک ملت که دارای حکومت قانونی و آزادی است انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی حساس‌ترین نقاط و مهم‌ترین مظهر قدرت مردم به‌شمار می‌رود. با همان رأی، همان ورقه که نام یک یا چند نفر را روی آن نوشته و به صندوق آراء می‌اندازید شما مقدرات و سرنوشت خود و بلکه یک کشور را تعیین می‌کنید. به نماینده خود اختیار می‌دهید که در جان و مال و ناموس و املاک و شهر و کشور شما هرگونه دخالتی بنماید. فکر می‌کنید چه اختیار وسیع و چه کار بزرگی است؟ اگر کسی

که از طرف شما انتخاب می‌شود دارای حسن اخلاق و ایمان به خدا بوده مصالح شما و برادران خود را بر سودپرستی و جمع مال و طرفداری از عناصر ناصالح ترجیح دهد، بی‌شک شما خوشبخت بوده و وظیفه ملی خود را خوب عمل کرده‌اید.»<sup>۱</sup>

جایگاه انتخابات در حیات سیاسی جامعه تعابیر ارائه شده از مفهوم انتخابات مستند بر مشروعیت و حقانیت دخالت مردم در آن بود.

یکی از جراید، انتخاب وکیل مجلس را «مشروع‌ترین حقی» می‌دانست که «یک جامعه دارد»<sup>۲</sup> و دیگری انتخابات را به معنای «تأمین آزادی و گرفتن حقوق» تعبیر کرد که «از جمله مسائلی است که به دست جمع باید صورت گیرد. یدالله مع الجماعة»<sup>۳</sup>

در راستای مشخص نمودن جایگاه مجلس و رابطه مردم با آن، سخنرانی‌های علمای وقت و طراز اول جامعه نقش مهمی داشت. این سخنرانی‌ها که در آنها علاوه بر بحث عقلی و سیاسی، دیدگاه دینی و مذهبی پیرامون موضوع مزبور نیز ارائه می‌شد، به‌طور وسیعی در صفحات جراید چاپ و بدین طریق میان مردم پخش می‌شد. در این رابطه آیت‌الله بهبهانی، از روحانیون طراز اول وقت تهران، طی سخنانی اظهار داشت:

«... آیا از برای جلوگیری از هر فساد، جز انتخاب وکلای صالح و علاقمند به مملکت و دیانت در نظر شما عقلاً [راهی] هست؟ ای برادران دینی و ای اخوان ایمانی، اگر بر جان و مال خود رحم نمی‌کنید بر دین و آیین خود رحم آورید. ای مسلمانان زحمت انبیا و مرسلین خاصه حضرت خاتم‌الانبیا صلی‌الله علیه و آله که خوشبختانه شما و ما امت آن بزرگوار هستیم، گرو و رهین اقدام امروز شما است. ای انصار دین‌الله و ای انصار رسول‌الله جدیت و فعالیت شما مسلمانان است که آثار

خون مقدس حضرت سیدالشهدا (ع) و اولاد و اصحاب آن بزرگوار را مصون می‌دارد. ای عزیزان، خداوند را شاهد می‌گیرم که هیچ راهی از برای حفظ جان و مال و دین و ناموس خود و نسل آتیه جز سعی و کوشش و اتحاد در انتخاب وکلای صالح نیست.<sup>۴</sup>

تشویق مردم به شرکت در انتخابات در معرفی و تعریف اهمیت مجلس و تشویق مردم به شرکت در انتخابات، وقایع دوره حکومت رضاشاه، معیار با ارزشی برای تشویق مردم جهت این موضوع تلقی می‌گشت. بدین جهت در جریان دوره شانزده ساله حکومت رضاشاه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و تصویری از آن دوره ارائه گشت: «... مملکت اسلامی ایران بیست‌سال به دست عناصری اداره شد که علاوه بر سلب حقوق، افراد روحانیت را ضعیف و روحانیون را مورد بی‌احترامی ساخته، از اجرای شعائر دینی و حتی بردن نام خدا در دبستان‌ها جلوگیری کرده و در ترویج بی‌ناموسی کوشیدند... روزگار، پیشوای این جماعت را به کیفر دنیوی خود رسانید بدون اینکه دست این طبقه اسلام‌گش از دخالت در امور مسلمین کوتاه شود...»<sup>۵</sup>

سپس مشروعیت نمایندگان دوره‌های قبلی مجلس (هفتم تا سیزدهم) مورد سؤال قرار گرفت. در این رابطه علی‌اکبر ارداقی که خود یکی از مؤسسان کمیته مجازات (در دوره مشروطیت) بود، طی مقاله‌ای در قالب سؤالی از نمایندگان دوره‌های قبلی مجلس، وضع آنها را مورد بررسی قرار داد. «... سؤالات مزبور به قرار ذیل است:

۱. آیا وکلای دوره دیکتاتوری تردیدی دارند که وکالت آنها غیر مشروع و همه آنها وکیل بی‌موکل می‌باشند؟
۲. آیا می‌توانند انکار کنند که صدور اعتبارنامه آنها بر اثر دستور آن نظمیه‌کذایی [بوده] و بعد از ورود به مجلس هم ابداً جرأت نفس کشیدن نداشتند؟
۳. آیا تصدیق ندارند که تجاوز و مظالم عمال دیکتاتوری غالباً در پرده و غیر علنی [بود] و کسانی که در تحت لوای قانون، بنیه مالی، امنیت قضایی و همه چیز ما را به باد فنا دادند، با قیام و قعود همین وکلا [تأیید] شدند؟
۴. آیا نظر به گمنامی و مجهول بودن هویت مؤسس کودتا، سلام و صلوات رسمی و هلهله

همین وکلا نبوده که مقبولیت یک شخص ظالم متجاوز را به ملت ساده لوح خوش قلب ایران تحمیل نمود؟»<sup>۶</sup>

بدین ترتیب وضعیت دوره‌های قبلی مجلس و نیز اوضاع سیاسی جامعه ایران، دلیلی بر لزوم انجام تغییر و اصلاحات می‌شود. «... ملت ایران، رأی شما ناموس و شرف شما است. از دستبرد دزدهای خانگی و نوکرهای بی‌مقدار رضاخان آن را در امان نگه دارید. این وظیفه نوعی و وجدانی و اخلاقی تمام افراد ایران است که بی‌خبرها را از این ماجرا باخبر کنند و به آنها بگویند که تمام مفاسد و خرابی‌ها و بدبختی‌های بیست‌ساله، مولود عدم دخالت عامه در انتخابات بود.»<sup>۷</sup>

محور دیگر موضوعات طرح شده توسط جراید ترسیم وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در سال ۱۳۲۲ (مقارن با انتخابات) و تحلیل و بررسی نقش و اهمیت مجلس چهاردهم در برنامه‌ریزی‌های آینده و تغییر اوضاع جامعه بود.



اشغال ایران توسط نیروهای متفقین (بریتانیا، شوروی و آمریکا) سبب به وجود آمدن وضعیت خاصی برای دولت و نهادهای حکومتی ایران شد. رعایت منافع متفقین، در اغلب موارد در تضاد با منافع و مصالح کشور قرار می‌گرفت و این وضعیت سبب به وجود آمدن مشکلات عظیمی برای دولت، قوای حکمرانی و مردم شده بود. مزید بر مشکلات به وجود آمده از اشغال ایران توسط نیروهای متفقین، وضعیت بحرانی اقتصادی داخلی و فساد طبقه حاکمه نیز از جمله مشکلات اساسی جامعه ایران تلقی می‌شد. بدین لحاظ انجام صحیح انتخاب مجلس چهاردهم، امیدی برای حل این معضلات تلقی

می‌گشت. در این رابطه آیت‌الله جزایری طی سخنانی که در جراید به چاپ رسید، عنوان کرد «... این دوره ۱۴ غیر از ادوار سابقه است با این محظورات سیاسی بزرگی که در جلو داریم اندک مسامحه و غفلت رشته مقدرات دین و مملکت را به دست یک مشت بی‌علاقه به مذهب و مملکت خواهد داد. برای رضای خدا بکوشید تا جامه ذلت نپوشید، نگذارید غولان و دزدان و جنایتکاران، یوسف عزیز وطن را به ثمن بخش خرید و فروش کنند و به پشتیبانی که از راه‌های غیر مشروع دارند، بر جان و مال و دین و ناموس ما مسلط شوند...»<sup>۸</sup> و آیت‌الله قمی نیز پیرامون این موضوع گفت: «... مجلس چهاردهم مقدرات ما را شاید برای چند قرن تعیین خواهد کرد، مجلسی است که آنچه روی کاغذ به عنوان قرارداد یا اعلامیه در آمده باید مطالبه و اجرا کند. مجلسی است که باید با سیل ارتجاع و سیر به فقرا مبارزه کند. این مجلسی است که باید پروژه‌های سیاسی طرح کرده و ایرانی متناسب با دنیای زنده بسازد...»<sup>۹</sup>

در مقالات طرح شده در مطبوعات، از جمله راه‌های اساسی جهت حل معضلات داخلی، انجام انتخابات و تشکیل یک مجلس از نمایندگان حقیقی مردم عنوان شده و این موضوع بسان روزنه‌ای برای حل مشکلات جامعه تلقی می‌گردد: «... امروز چون روزنه امید از همه جا بسته شده، طبقه فهمیده از مردم با نگاه کردن به افق اوضاع عمومی کشور و هجوم بدبختی و فقر و ناخوشی، منتظر دو چیز هستند، اول یک نهضت ملی با هدف و مقصود عالی و دوم یک مجلس شورای ملی منتخب از عناصر پاک و بی‌آلایش... اگر عده‌ای تصور کنند با فرستادن عناصر غیر صالح به مجلس می‌توانند این نهضت را خاموش نمایند دچار اشتباه هستند. زیرا در این خاکستر که به نظر شما بس ناچیز و حقیر می‌رسد اخگرهای جانگدازی نهفته شده‌اند که سال‌هاست قوه حرارت خود را حفظ کرده‌اند و سال‌ها هم می‌توانند آن را حفظ کنند. برسید از آن روزی که باد حوادث این خاک‌ها را به هوا پراکنده کند و این اخگرهای سوزان از زیر آن مریبون آورند...»<sup>۱۰</sup>

علاوه بر مشخص شدن اصول و ارائه معیارهای فکری جهت حضور مردم در انتخابات، تشویق آنان به مشارکت موضوع اساسی بود که مقالات زیادی پیرامون آن در روزنامه‌ها و جراید دوره انتخابات چاپ شد.

هدف اولیه از چاپ این مقالات کشاندن طبقات و گروه‌های ذی نفوذ اجتماعی به صحنه انتخابات بود. از جمله این طبقات می‌توان به روشنفکران، روحانیون، اعیان، رجال ملی اشاره کرد.

در طی سلسله مقالات مفصلی که به قلم نوری‌زاده در همان اوان (خرداد ۱۳۲۲) در روزنامه ستاره منتشر شده، آمده است: «... قسمت دیگر از اقدامات ضروری برای تأمین آزادی انتخابات و فسخ نمودن دسیسه‌های غیرمشروع، مداخله کلیه طبقات بدویزه منورالفتکرها است در انتخابات. یعنی هرفردی خود را موظف بداند که همان اندازه که برای تأمین منافع خصوصی خود ناگزیر از تعیین وکیل بوده، در پی [تعیین] نماینده صالح و بافهم و باسواد باشد.»<sup>۱۱</sup>

در همان مقاله مشارالیه گزارشی از دیدار خود با روحانیون تهران را نیز ارائه می‌دهد: «... من شخصاً حضور بعضی از علمای اعلام شرفیاب و استدعا کردم که باریکی موقع و تاریکی سرنوشت مسلمانان در آتیه ایجاب می‌نماید که در انتخاب دوره ۱۴ مداخله فرمایند. البته نمی‌گویم اشخاصی را به مردم معرفی فرمایند، ولی همین قدر به معتقدین امر کنید که باید در انجام وظیفه ملی خودشان کوشش کرده و حتماً در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی مداخله نمایند. خوشوقتم که مؤثرترین عناصر روحانی تهران عرایض بی‌غرضانه بنده را با حسن قبول تلقی و تصدیق فرموده که کاملاً حق به جانب بنده است. بدویزه وقتی برای آن بزرگوار تشریح کردم که چه مراکز غیرصالح و چه ایادی غیرمرمی و چه افکار مسمومی برای ربودن صندلی‌های این مرکز قدرت ملی در تکاپو [بوده] و از بذل هرگونه مجاهده و صرف هر اندازه پول و مبادرت به هرگونه جنایتی خودداری نخواهند کرد...»<sup>۱۲</sup> و در راستای همین مباحث بود که در اوایل مرداد همان سال مرحوم آیت‌الله کاشانی نیز طی اعلامیه‌ای خطاب به «حضرات دعوات و حجج اسلام و آقایان اهل منبر» آنان را به شرکت فعال در انتخابات دعوت نمود. در این اعلامیه ایشان جهت حضور روحانیت در انتخابات توصیه‌هایی نمودند: «... لازم است که آقایان حجج اسلام دامت برکاتهم در محل خودشان هیأت مشاوره تشکیل داده، اولاً اشخاصی را که به صفات مرقومه متصف هستند برای

نمایندگی نامزد نمایند و بعد مردم را با آگاه‌نمودن به مقدمات معروضه به انتخاب آنها امر و دعوت فرمایند. و ثانیاً آنکه با علمای ولایات به قدری که ممکن است و دسترسی دارند مکاتبه نموده آنها را برای انجام این مقصود مهم حیاتی دعوت نمایند...»<sup>۱۳</sup>

علاوه بر روشنفکران و روحانیون، دیگر گروه‌های ذی‌نفوذ اجتماعی نیز به حضور در انتخابات دعوت شدند: «... بعضی از رجال و اعیان سابق که دارای وجهه ملی در مردم تهران می‌باشند، لازم است درب خانه خود را که سال‌ها بسته بودند به روی مردم باز و با آهنگ انتخاب ملی و آزاد دوره چهاردهم هم آواز گردیده، صریحاً مردم را دعوت به اتحاد و یگانگی نموده و صلحای ملت را تشویق به شرکت در انتخابات فرموده و معایب کناره‌گیری از این حق ملی بزرگ را گوشزد عامه نمایند. تا مگر در اثر اندرزهای بی‌غرضانه این دسته از اولاد صالح ایران، جنبشی در طبقات صالحه پیدا شده، میدان را برای فعالیت بازیگران غیرصالح، خالی نگذارند.»<sup>۱۴</sup>

علاوه بر طبقات ذی‌نفوذ جامعه، عموم مردم نیز جهت شرکت در انتخابات مورد خطاب جراید قرار گرفتند. حجم عظیمی از مقالات، اعلان‌ها و آگهی‌هایی که برای حضور مردم در انتخابات، در جراید چاپ شد، در دسترس می‌باشد که جهت آشنایی با نحوه طرح و موضوع آنها، با هم نمونه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهیم: «... جمودت و رخوت و سهل‌انگاری بس است. کناره‌گیری از تکالیف اجتماعی و تماشاچی شدن در مقابل حوادث و مواقع انجام وظیفه به اعتبار آنکه بگوییم «هر چه پیش آید خوش آید.» و یا «هر که خرد شد ما پالانش می‌شویم.» و یا خواندن اشعار معروف: نه بر اشتری سوارم نه چو خر به‌زیر بارم نه خداوند رعیت و نه غلام شه‌ریارم بس است. همین سست‌عنصری‌ها، همین سهل‌انگاری‌ها، همین تماشاچی شدن‌ها، کار حیات اجتماعی ما را به جایی کشانده که حتی خودمان با کمال صراحت اعتراف می‌کنیم که ما دارای رشد اجتماعی نیستیم...»<sup>۱۵</sup>

در همین رابطه لزوم مقابله با دخالت‌های نامشروع و غیرقانونی دولت در انتخابات، که بنا به عرف مرسوم مال‌های سابق، به صورت یک واقعت درآمده بود نیز به مردم گوشزد می‌شد:

کرسی‌های نمایندگی و محکمرین وکالت دست‌هایی قوی دارند. فرمانداران، بخشداران، شهرداران و بالاخره مأمورین دارایی را به تسبلیغات بر نه تجدید انتخابات خود واداشته‌اند. ممکن است موضوع مأمورین دارایی را بعضی تردید کنند ولی ما مطابق اطلاعاتی که داریم مطمئنیم مصادری که انتخاب مأمورین دارایی به عهده آنان است برای انتخاب همین نمایندگان روی هم ریخته و شروع کرده‌اند مشاغل حساس را که در انتخابات مؤثر می‌دانند، به دست همدستان خود سپارند.

همه این جریان‌ها به جای خود درست و مورد توجه و ملاحظه است ولی به عقیده ما در برابر همت و اقدام عناصر آزادیخواه و وطن‌پرست چندان اهمیت ندارد، چرا؟ ما و همفکران ما می‌دانیم برای چه مبارزه می‌کنیم

### ۳۴ نفر از مدیران جراید در

سال ۱۳۲۲ نامزد نمایندگی

مجلس بودند که مهمترین آنها

عبارت بودند از: عباس خلیلی،

ملک‌الشعراء بهار، عباس

مسعودی، رضا گنجی، صادق

سرمد، ایرج اسکندری، معظّم

السلطنه دولت و زین‌العابدین

ره‌نما و...

ما برای آزادی کشور و ملت که نتیجه‌اش آسایش خودمان و فرزندانمان است، به حکم وجدان، ایمان، عقیده و مذهب تلاش می‌کنیم...»<sup>۱۶</sup>

در مجموع تلاش اکثریت جراید و مطبوعات در جهت مشارکت هرچه بیشتر مردم در انتخابات قرار داشت. همانگونه که در سطور قبل بیان شد در بحبوحه چند ماهه انتخابات مجلس چهاردهم موضوعات و مسائل فوق‌الذکر از طریق چاپ تعداد بسیار زیادی از مستللات، اخبار و گزارشات در مطبوعات بین مردم طرح شد.

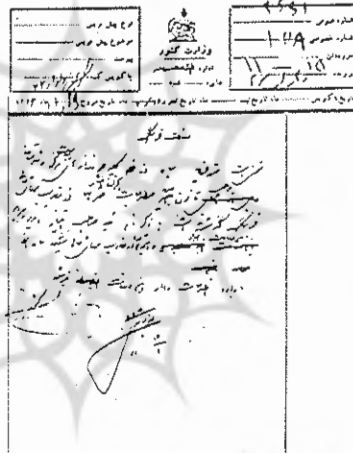
علاوه بر درج مقالات و گزارشات در جراید، تعدادی از مدیران جراید نیز به‌عنوان نامزد نمایندگی وارد انتخابات شدند. برطبق آماري در این زمینه حدود ۳۴ نفر از مدیران

مزبور، در سراسر کشور جهت احراز پست نمایندگی فعالیت می‌نمودند که از آن جمله می‌توان به: عباس خلیلی، ملک‌الشعراء بهار، عباس مسعودی، رضا گنجی، صادق سرمد، ایرج اسکندری، معظم‌السلطنه دولت و زین‌العابدین رهنما<sup>۱۷</sup> اشاره کرد. جبهه مطبوعاتی آزادی نیز به‌عنوان یک گروه مطبوعاتی متشکل و منسجم، فعالیت انتخاباتی انجام داد. جهت این فعالیت در مرحله نخست ارائه معیارهای انتخاب صحیح و در مرحله بعد نفی اعمال جناح‌های حاکمه بود. «... کار انتخابات باریکترین و حساس‌ترین کاری است که یک دولت صالح و بی‌طمع باید آن را انجام دهد. ما کاندیدایی نداریم که برای دولت معرفی نماییم، اما اینها را همه در چنین موقعی نمی‌توانیم مصدر کار انتخابات ببینیم زیرا به صحت عمل و بی‌طمعی ایشان اعتمادی نیست و بیم آن است همانطور که در مرکز مرمايه‌داران و مقاطعه‌کاران را به کاندیدا شدن تشویق می‌کنند و به خانه آنها رفت و آمد می‌نمایند و آنها را ارگان خود قرار می‌دهند در سایر ایالات هم نظیر اینها را تشویق کنند و کار از دست شما و ما خارج شود.»<sup>۱۸</sup>

علاوه بر ارائه معیار، جبهه آزادی چند تن از اعضای خود را به‌عنوان نامزد نمایندگی مجلس از شهرستان‌ها معرفی کرد. در جلسه ۱۷ آذر ۱۳۲۲ جبهه «... چون آقای جعفر پیشاوری مدیر روزنامه آژیر در تبریز کاندیدای نمایندگی چهارمین دوره قانون‌گذاری هستند و آقای بازارگاه مدیر روزنامه خورشیدایران در شیراز نامزد رکالت می‌باشند، پس از مذاکرات مقتضی، به اتفاق آراء تصویب شد که تلگرافی [در این زمینه] به روزنامه‌ها و احزاب ملی آذربایجان و فارس مخابره شود.»<sup>۱۹</sup> حال در ادامه مقاله و پس از بیان شمایی از چگونگی رفتار مطبوعات در انتخابات مجلس چهاردهم، جای دارد جهت آشنایی با تأثیر موضوعات مطرح شده در جراید، سروری بر چگونگی برگزاری انتخابات و نقش مطبوعات در انجام آن داشته باشیم.

شروع انتخابات با تعیین انجمن نظارت بر انتخابات در هر حوزه اخذ رأی همراه بود. تعیین انجمن نظار از آن جهت مهم است که وظیفه اصلی نظارت و نیز تأییدکننده حسن انجام انتخابات به‌عهدده اعضای انجمن مزبور قرار داشت. بدین لحاظ وابستگی انجمن مذکور به مقامات حکومتی یکی از اهداف

دولت و هیأت حاکمه بود و متقابلاً مستقل بودن آن از جمله خواسته‌های ملی و مردمی به‌شمار می‌رفت. بدین لحاظ با شروع انتخابات، این موضوع در مطبوعات مورد بحث قرار گرفت. در مقاله «انتخابات، نظارت مردم» نوشته ارسلان خلعتیری از انجمن‌های نظار به‌عنوان وسیله نظارت مردم یاد شد. به عبارت دیگر: «... حفظ آزادی انتخابات، تنها به معنی عدم مداخله دولت نیست. بلکه شرط مهم اطمینان به صحت جریان انتخابات است و مهمترین وسیله اطمینان به صحت انتخابات نظارت مردم بر جریان انتخابات است. و چون نظارت مردم در جریان انتخابات به‌وسیله انجمن نظارت صورت می‌گیرد لذا دولتی که حسن نیت دارد باید در درجه اول کوشش خود را در تعیین اعضای انجمن نظارت به‌کار برد... اگر دولت به آنچه گفته شد عمل کند طبق



افکار عمومی عمل خواهد کرد والا عموم مردم به این انتخابات هم به چشم بدخواهند نگرست. اگر همان اشخاص برای انجمن‌های نظارت دعوت شوند طرف اعتماد مردم نیستند و در حقیقت نظارت واقعی مردم که عمده‌ترین شرط صحت انتخابات است به‌عمل نخواهد آمد و دعوت همان اشخاص سابق یا اشخاصی که در دستگاه دیکتاتوری شاغل مقامات حساس بوده‌اند از افکاری که عده در نظر دارند تقویت خواهد نمود، [در نتیجه] این بار هم کرسی‌های مجلس به دست اشخاصی خواهد افتاد که سرمایه و زور دارند و وکیل حقیقی مردم نیستند...»<sup>۲۰</sup>

همچنین به جهت اهمیت موضوع، تلاش زیادی جهت تعیین صحیح انجمن‌های نظار انجام شد. از جمله توصیه‌های آیت‌الله کاشانی

به حضرات دعات و حجج اسلام و آقایان اهل منبر آن بود که «... جدیت بفرمایید که انجمن نظار از اشخاص امین انتخاب شوند والا زحمات هدر است و آراء تبدیل می‌شود...»<sup>۲۱</sup> در این راستا مطبوعات و جراید نیز جهت «جلوگیری از تجدید انتخاب حکومت انگل‌ها» به مردم توصیه نمودند:

«اولاً: برای انتخاب هیأت نظار صالح و بی‌طرف کوشش کنید و به حکومت فشار آورید و اگر هیأت نظار از همین انگل‌ها انتخاب شد، زیربار نروید.

ثانیاً: صندوق آراء را به اختیار فرمانداران و بخشداران نگذاشته و در حفظ آن و جلوگیری از تبدیل اوراق آن با تشکیلات منظم که شبانه‌روزی باشد، کوشش کنید.»<sup>۲۲</sup>

در چنین اوضاع و احوالی کاندیداهای انجمن نظار تهران معرفی شدند که از سوی وزارت کشور از بین آنان تعدادی به‌عنوان اعضای انجمن انتخاب شدند. این انتخاب اعتراضی را به دنبال نداشت. ولی در شهرستان‌ها، تشکیل انجمن نظار با جواروجتجال‌های وسیعی همراه بود. از جمله این موارد شهر تبریز بود. در آنجا «عموم آزادخواهان و معتمدین تبریز به این شکل عملیات قانون‌شکنانه [انتخاب هیأت نظار] اعتراض [نموده] و برای جلوگیری از هرگونه سوء جریان در انتخابات و منع از تجدید دوره دیکتاتوری و حوادث نامطلوب انتظار [می‌روند] با دستور فوری به توقف عملیات هیأت نظارت تبریز و اعزام بازرس طرف اطمینان، دستور فوری رسیدگی به اعتراضات صادر [شود]»<sup>۲۳</sup>.

با شروع انتخابات شهرستان‌ها، اوایل مرداد ۱۳۲۲ گزارشات آن به‌طورروزانه در جراید چاپ می‌شد. تعداد بسیار زیادی از تلگرافات اهالی شهرها بر له یا علیه انجام و نتیجه انتخابات در صفحات روزنامه‌ها جای گرفت. از سویی دیگر جراید ضمن انعکاس تلگرافات مذکور، گزارشات متعددی در زمینه تحریک مردم به شرکت در انتخابات و نیز افشای عناصر ناسالم هر شهر انجام می‌دادند. نتیجه این تبلیغات را می‌توان از خلال گزارشات مختلفی که از چگونگی انجام انتخابات در دسترس است، جست‌وجو نمود، از جمله «... در بندر پهلوی دو نفر برای نمایندگی دوره چهاردهم نامزد بودند، آقای دکتر فریدون کشاورز استاد دانشگاه و مدیر

روزنامه رزم که پدر مرحوم ایشان آقای محمد وکیلالتجار نیز در دوره اول و دوم سمت نمایندگی اهالی بندر پهلوی در مجلس را داشتند و دوم آقای موسی مرزبان کارسندگمرک بندرپهلوی ... دکتر کشاورز مرتباً کنفرانس و میتینگ می داد و شبها در جلسات خصوصی صیادان و کارگران سخنرانی می نمود، ولی حریف او آقای مرزبان با تهیه سفره های سور و ایجاد وسایل طرب اشخاص را ظاهراً به خود جلب و آنها را به قرآن قسم می داد که اگر مرا وکیل کنید کبریت را دانه ای سه شاهی می کنم و پست های مختلف شهرداری و شهربانی و گمرک و دارایی و غیره را به همه حواله می داد و یکی را رئیس و دیگری را با خیال امیر می نمود. با این مقدمات انتخابات بندرپهلوی روز شنبه ۱۶ مهر شروع و یکشنبه ۲۴ مهرماه پایان یافت. پس از [گذشت] دو سه روز از



روزنامه رزم

شماره اول

شماره اول

روزنامه رزم ۱ شهریور ۱۳۲۲

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

شماره اول

عده ای با کارسندان انجمن جداً مخالف و در مساجد و سرگذرها سخنرانی می نمایند. سید نورالدین مجتهد که در میان مردم بازار موقعیت دارد و چندسال پیش بر اثر مخالفت با سیاست دولت وقت دو مرتبه از شیراز به بوشهر و تهران تبعید گردید برای احراز موقعیت و قبولاندن کاندیداهای خود جریان کنونی انتخابات را انتقاد و روش و عملیات دولت را در نظر مردم نامطلوب جلوه و بالتیجه می خواهد موجبات اختلاف و تنفر اهالی را از دولت فراهم نماید.»<sup>۲۶</sup>

قریب به یک ماه بعد، در ۲۲ بهمن فرماندار شهر طی گزارشی به وزارت کشور بیان می دارد: «... حقیقت امر این است که آقایان پا [را] از حد مبارزه انتخاباتی بیرون گذاشته و از تمام مأمورین کارخانه قند و عملدجات [آن] به دستور مهندس ریاحی و تمام مأمورین فرهنگ و معلمین و شاگردان به تحریک آقای بازارگرد [مدیر روزنامه خورشید ایران] و دادسرای شیراز به دستگیری آقا سید نورالدین و بازارگرد، مشغول دسیسه و اعمال نفوذ می باشند.»<sup>۲۷</sup>

و از سویی دیگر، مخالفان فرمانداری شیراز نیز با ارسال تلگرافات و نامه های متعددی به رجال ملی و مذهبی، ناراضیاتی خود را از نحوه جریان انتخابات در آن شهر اعلام داشتند. به نحوی که در سوم اسفند همان سال مرحوم دکتر مصدق با ارسال یادداشتی به وزارت کشور اعلام می دارد: «از سوء جریان انتخاب شیراز تلگرافاتی به اینجانب رسیده که تقدیم می کنم. و توجهات آن وزارت را به موضوع شکایت جلب می نمایم.»<sup>۲۸</sup> تا اینکه چندی بعد بالاخره انتخابات در آن شهر به پایان رسید و نمایندگان منتخب رهسپار مجلس شدند.

و اما در تهران، وضعیت انتخابات به گونه ای دیگر بود. وجود اغلب قریب به اتفاق مراکز فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور در تهران به انتخابات این شهر ابعاد ویژه ای می بخشید. علاوه بر آن وجود تقریباً در صد عمده ای از جراید کشور در تهران سبب ایجاد رابطهای قوی بین مطبوعات و طبقات مختلف مردم تهران در خصوص انتخابات و نحوه برگزاری آن می شد. بدین جهت بررسی چگونگی انتخابات تهران تا اندازه زیادی نمایانگر میزان بازدهی تبلیغات و فعالیت های جراید در این زمینه است.

فعالیت های انتخاباتی در تهران از مدتها

قبل از شروع رسمی انتخابات، یعنی صدور فرمان اجرای مقدمات آن در سی و یکم خردادماه ۲۹ آغاز شد. در شانزدهم خرداد «... با آنکه حکومت نظامی با شدیدترین مفاهیم در تهران برقرار است، دستجات و اجتماعات کوچک و بزرگ و بندوبست های خفی و ملی و کنفرانس های خصوصی و خودمانی در تمام نقاط پایتخت تشکیل و یا در شرف تشکیل است که سرلوحه مرام و مقصود آنها مبارزه در انتخابات دوره چهاردهم است.»<sup>۲۹</sup> از جمله اینگونه افراد بخشدار یکی از نواحی اطراف تیران بود «... که شش هزار کوپن قندوشکر زیاده از مصرف محل گرفته و به دست عمال مخصوص به نرخ گزاف فروخته و پس از وضع سهم سایر شرکا دست کم بیست هزار تومان برای خودش باقی مانده، همین چند روزه مهمانی که بیش از ششصد تومان خرج آن بوده به اهالی داده و با تقویت مأمورین خواربار راجع به انتخابات محل در آن مهمانی تبلیغاتی کرده اند.»<sup>۳۱</sup>

به مرور زمان فعالیت های انتخاباتی در تهران شدت یافت. مهمترین عامل در این موضوع، تبلیغات و فعالیت جراید و مطبوعات بود که همه روزه به درج اخبار، گزارشات و مقالات مربوط به انتخابات اقدام می کردند. بحث انتخابات به قدری در محافل و در میان مردم تهران گسترش یافت که در گزارشی که در بیست و چهارم تیرماه همان سال منتشر شد، آمده است: «تهران ۱۲ وکیل دارد، تهران امروز می گویند دو هزار کاندیدا دارد! تهران بیش از چهل روزنامه دارد! تهران امروز اسماً بیش از بیست حزب دارد! تهران از حقوق ملت حرف می زند، از تجاوز طمع کاران گذشته حرف می زند، از عدم لیاقت زمامداران ۲۰ ساله می گوید، از دست پشت هم اندازان و شیادان شکایت می کند، از حقوق ملت، از آزادی و از ایسده آل های بزرگ حرف می زند، حرفها و سخن های خوب و برجسته!

ولی اگر از هرکس پرسید ده اسم برای نماینده تهران بگویند عاجز می ماند. ده نفر از این دو هزار نفر توانسته اند با هم کار کنند. کمتر کسی است که بتواند ده نفر کاندیدی خود را بشمارد! به ده نفر از روی دل و ایمان عقیده داشته باشد! این وضعیت حقیقتاً تأثیرآور است. این وضعیت به ما می فهماند که چه اضطراب و شباهی در افکار حکم فرماست! به ما می فهماند چه تشتت و تفرقه و یا چه دوری

شروع رأی گیری طرفداران مرزبان دیدند که رأی ندارند [بدین جهت] مجبوراً دست به دامان کدخداهای و دهمداران اطراف شهر شده و با صرف مبالغ هنگفتی موفق شدند مختصر رأی از خارج شهر تدارک کنند و در خاتمه آقای کشاورز با اکثریت ۳۸۵۶ رأی در مقابل ۲۲۰۰ رأی به نمایندگی بندرپهلوی انتخاب شد...»<sup>۲۵</sup>

در شیراز انتخابات با جنجال بسیار همراه شد. در پرتو گزارشات دولتی موجود می توان تصویری از علل این جنجال را ترسیم نمود. براساس مفاد تلگراف شهربانی شیراز در ۲۴ دی ماه ۱۳۲۲ «... انجمن نظار انتخابات ابوالفضل محلاتی را که از علمای طراز اول است به ریاست تعیین و امروز آگهی انتخابات را منتشر و از سوم بهمن ماه اخذ آراء شروع [خواهد شد] مبارزه انتخاباتی با شدت آغاز.

از اوایل مردادماه بتدریج انتخابات در حوزه‌های شهرستان‌ها شروع شد و اخبار و گزارشات واصله از چگونگی انجام آن به‌طور روزمره در جراید تهران چاپ شده و به اطلاع مردم می‌رسید. این موضوع حساسیت مردم در تهران نسبت به انتخابات را افزون ساخت. از سویی دیگر با مشخص شدن تاریخ احتمالی برگزاری انتخابات تهران، افراد گوناگونی از طبقات مختلف خود را برای نمایندگی مجلس از تهران نامزد کردند. تبلیغات و مقالات جراید در کنار فعالیت سیاسی محافل و احزاب سیاسی سبب حضور چهره‌های نامدار و طراز اول سیاسی جامعه (نظیر مرحوم آیت‌الله کاشانی، مرحوم دکتر مصدق) در انتخابات شد. افرادی که در سالیان قبل از آن به دلیل وجود دیکتاتوری در جامعه منزوی شده و دم فرو بسته بودند، مقصرین سیاسی حکومت رضاشاهی و ... وارد انتخابات شدند. جو سیاسی، اجتماعی تهران در آن زمان به‌گونه‌ای بود که حتی افرادی که وابسته به دربار و هیأت حاکمه بودند نیز انتقاد از وضع گذشته و نیز لزوم تجدید نظر در وضعیت موجود را در صدر شعارهای تبلیغاتی خود قرار دادند. حساسیت وضع موجود تهران سبب شد که براساس مصوبه مجلس، «از تاریخ نشرآگهی انجمن نظار مرکزی انتخابات تهران برای دوره چهاردهم قانون‌گذاری تا خاتمه انتخابات مقررات حکومت نظامی نسبت به امر انتخابات موقوف الاجرا شود»<sup>۲۳</sup>

تا اینکه بالاخره انتخابات تهران در سی‌آبان آغاز شد. در گزارشی که چند روز بعد در خصوص استقبال مردم از انتخابات منتشر شد، آمده است: «... عجبا در کشوری که هیچ وقت فعالیتی در آن دیده نمی‌شود این جنب‌وجوش از چیست؟ اگر نصف فعالیتی را که برای این انتخابات می‌شود وکلای دوره گذشته و وزرا می‌کردند تفاوت محسوسی در اوضاع عمومی دیده می‌شد... عجب هنگامه‌ای برپا است یک نفر از صبح که برمی‌خیزد تا غروب به ده مجلس می‌رود هم با روشنفکران است هم با پولداران بی‌سواد، هم نطق است و هم حوزه‌گردان یا صدک‌اندیدا هم سروکار دارد و همه را هم راضی نگاه می‌دارد. خودخواهی به درجه‌ای رسیده که یک نفر حاضر نیست دیگری را از خود بالاتر ببیند از هر دسته و صنف و طبقه صدنفر اقل نامزد وکالت شده‌اند

و حال آنکه فقط حق دارند دوازده وکیل انتخاب کنند. به غیر از دو سه حزب که تشکیلاتی مختصر دارند همه این هزار نفر کاندیدا با فعالیت فردی کار می‌کنند. فعالیت فردی هم عبارت است از صبح از خانه بیرون رفتن و نصف شب به خانه برگشتن، نطق کردن، دروغ گفتن، دروغ شنیدن، در هر گوشه که چند نفر فقیر و بیچاره پیدا می‌شوند دلالت‌های انتخاباتی فوراً آنها را پیدا و شروع به نمایش دادن آنها می‌کنند. اول از آنکه پول بیشتر دارد نمایش شروع می‌شود تا می‌رسد به آنهایی که پول ندارند و فقط افکار سیاسی و آرزوهای خود را تحویل می‌دهند. یک روز در تهران دلالتی معاملات ملکی رونق داشت، امروز دلالتی انتخابات بیشتر رونق دارد...»<sup>۲۴</sup> در حین انتخابات، مطبوعات تمام تلاش خود را برای برگزاری هر چه بهتر انتخابات مبذول داشتند. در این رابطه کماکان گزارشات و اخبار و مقالات متعدد با حجم بالایی در جراید چاپ شد. مهمترین موضوع طرح شده در آنها، لزوم نظارت هر چه بیشتر بر جریان انتخابات بود. در نتیجه نشر این مقالات و گزارشات وضعیت جالبی بر انتخابات تهران حاکم شد. بنا به گزارش کلاتری ۲ ساعت ۱۰ صبح در حوزه انتخابات مسجد سپهسالار آقای مهدوی که یکی از اعضای انجمن است از حوزه خارج با صدای بلند مردم را اطراف خود جمع و اظهار نمود مردم، اعضای این انجمن اعمال نفوذ می‌نمایند لقناتپه عضو انجمن (غلامحسین مولایی) طرفدار سرمایه‌داران است و پول گرفته مردم به‌طرف انجمن ریخته قصد بی‌نظمی را داشته جلوگیری، سپس آقای مهندس فریور که یکی از کاندیداها است بر روی سکو ایستاده شروع به سخنرانی و مخالفت با غلامحسین مولایی نموده و مردم را تشویق می‌نمود که گول نخورده پول نگیرند و برای هرگونه پیش‌آمد خود را حاضر نمایند. سپس آقای خلیلی مدیر روزنامه اطلاعات ایران مردم را تشویق می‌کرد که باعث بی‌نظمی نشوند که انجمن فوراً تعطیل و موکول به بعدازظهر گردید. آقای مرزبان هم در جریان مذاکره حاضر بودند، علت اختلاف را بازجویی، معلوم گردید یک نفر که شناسنامه‌اش اختلاف داشته از طرف انجمن قصد تعقیب او را داشته‌اند، غلامحسین مولایی او را مرخص نموده در موقع خارج شدن مولایی مردم اطراف او ریخته خواستند عملیاتی نمایند

### ■ مرحوم آیت‌الله کاشانی:

لازم است که آقایان

حجج اسلام دامت برکاتهم در

محل خودشان هیأت

مشاوره تشکیل داده، اولاً

اشخاصی را که به صفات

مرقومه متصف هستند

برای نمایندگی نامزد نمایند

و بعد مردم را با آگاه‌نمودن

به مقدمات معروضه، به

انتخاب آنها امر و دعوت

فرمایند و ثانیاً آنکه با

علمای ولایات به قدری که

ممکن است و دسترسی

دارند مکاتبه نموده و آنها را

برای انجام این مقصود مهم

حیاتی دعوت نمایند.

■ مطبوعات در عصر انتخابات

دوره چهاردهم مجلس شورای

ملی به دنبال مشارکت طبقات و

گروه‌های ذی‌نفوذ اجتماعی از

جمله، روشنفکران، روحانیون،

اعیان و رجال ملی به صحنه

انتخابات بودند.

بوسیله مأمورین جلوگیری و خارج شد سپس دکتر یزدی نیز در خارج از مسجد روی سکو ایستاده مردم را تشویق به مبارزه برعلیه اشخاصی که به وسیله پول رأی خریداری می نمایند می کرد مخصوصاً به دانشجویان می گشت دانشکده را تعطیل و آنها نیز مبارزه نمایند.

مقابله و افشای کوشش پاره‌ای از مقامات دولتی در جهت انجام تقلب در انتخابات توسط جرایم، یکی دیگر از محورهای گزارشات چاپ شده در جرایم بود. به عنوان مثال:

«... در مقر انجمن نظارت [و رأی‌گیری] واقع در خیابان اسلامبول، کارگرهای کارخانه سیمان تحت نظر یک سرپرست با اتوموبیل برای رأی دادن آمدند، ولی مخالفت بعضی از اعضای انجمن و بالتجیه حصول اکثریت سبب شده برای رأی دادن پذیرفته نشدند...»<sup>۳۵</sup>

«... در همان انجمن فرعی [اسلامبول] یک‌دسته از پیشخدمت‌های بانک رهنی آمدند و به صف ایستادند برای رأی دادن، ولی اعضای انجمن از قبول آنها خودداری کردند و اعلان نمودند تمام پیشخدمت‌ها را در ساعت معین به محل صندوق آوردن دلیل است بر اینکه کسی آنها را آورده والا اگر در رأی دادن آزاد بودند لازم نبود همه یکجا بیایند. این منطق صحیح است. رئیس بازرسی بلافاصله حاضر می‌شود و می‌گوید: «اینها همه با مرخصی آمده‌اند...» در نتیجه تردید انجمن مبدل به یقین می‌شود که اینها به اراده خود نیامده‌اند و نفع و دستور دیگری ولو آنکه ظاهر آن محفوظ است اینها را به حال نظام به پای صندوق فرستاده است...»<sup>۳۶</sup>

علی‌رغم آنکه گزارشات انجمن مرکزی نظار انتخاب تهران در خصوص نحوه برگزاری انتخابات همه روزه در جرایم به چاپ می‌رساند ولی تخلفات شهرداری تهران و پاره‌ای از مقامات دولتی و نیز برخی از اعضای انجمن‌های فرعی و اصلی نظار رو به افزایش بود و این موضوع سبب شدیدتر شدن بحران سیاسی گشت. در مقابله با تخلفات مذکور، علما و روحانیون بلندپایه مستقیماً در جریان انتخابات مداخله کردند. «... موضوع جالب توجهی که در این چند روزه [نهم آذرماه] در جریان انتخابات پیش آمده دستور صریح آقایان علما و حجج اسلام مراجع تقلید است که عموم مردم را به شرکت در انتخابات و انجام

## حضور نیروهای خارجی، سلطنت تازه هنگام محمدرضا پهلوی و از هم پاشیدگی قوای نظامی و انتظامی از جمله عواملی بودند که در ایجاد و تشدید فضای باز سیاسی جریان انتخابات مجلس چهاردهم، مؤثر بودند.

این وظیفه بزرگ ملی و انتخاب عناصر صالح و متدین توصیه فرموده‌اند.

اعلامیه آیت‌الله آقای بهبهانی تأثیر شایانی در عموم طبقات به‌ویژه بازرگانان و طبقه اصناف و کارگران نموده و عموماً برای شرکت در انتخابات آماده شده‌اند. و حتی به طوری که اطلاع حاصل کرده‌ایم آقایان طلاب علوم دینی و دانشجویان رشته معقول و منقول و علوم اسلامی نیز برای شرکت در انتخابات آماده شده و شروع به کار کرده‌اند.<sup>۳۷</sup>

در این رابطه نیز مطبوعات تلاش بسیار مبذول داشتند. نگاهی به تیرهای صفحه اول روزنامه ستاره در روزهای یازدهم و دوازدهم آذر ماه بیانگر ابعاد تبلیغات و فعالیت جرایم در این رابطه است:

«انتخابات تهران باطل است، باید تجدید شود - مذهب، تهران را نجات می‌دهد - یا ضامن آهو - نصر من الله و فتح قریب - شرکت بازار در انتخابات.»

ولی ورود نیروهای مذهبی به صحنه انتخابات نیز مانع اساسی برای انجام تقلبات توسط مقامات مختلف دولتی به وجود نیامد و این مساجرا ادامه یافت.<sup>۳۸</sup> تا اینکه سیدمحمدصادق طباطبایی نامه‌ای به نخست‌وزیر وقت (سهیلی) در خصوص تخلفات مقامات دولتی و شهرداری تهران در انتخابات نوشت. پس از چند روز وزیر کشور (تدین) طی حکمی، فضل‌الله بهرامی شهردار تهران را برکنار ساخت. در این حکم آمده است: «... نظر به دخالت مستقیم جناب‌عالی در امر انتخابات تهران که در نتیجه موجب شکایت انجمن مرکزی نظارت گردید، از این تاریخ به سمت جنابعالی در شهرداری تهران خاتمه داده می‌شود.»<sup>۳۹</sup>

علی‌رغم برکناری شهردار، باز هم مقامات مختلف به دخالت در انتخابات ادامه داده و این موضع جنجال بزرگی را در مطبوعات به وجود آورد. اکثریت قریب به اتفاق جرایم به وجود

تقلب در انتخابات اعتراض نمودند. تا اینکه بالاخره اعتراضات مذکور به نتیجه رسیده و «... برحسب دستور ریاست انجمن مرکزی نظار انتخابات تهران، از روز پنج‌شنبه ۲۲/۹/۱۷ کلیه انجمن‌های فرعی تعطیل و انتخابات تهران توقیف شد.»<sup>۴۰</sup>

پس از توقیف انتخابات، برخی از جرایم خواهان ابطال آرای مأخوذه شدند ولی این تقاضا مورد موافقت انجمن مذکور قرار نگرفت. ولی انجمن از سویی مذاکرات جدی را با نخست‌وزیر و دیگر مقامات دولتی جهت جلوگیری از تخلفات مقامات دولتی انجام داد و از سوی دیگر جهت ضمانت هرچه بیشتر سلامت انتخابات، طی نامه‌ای به وزارت دادگستری تقاضا کرد: «... برای حسن جریان انتخابات و جلوگیری از خلاف قانون که در نتیجه تطمیع یا تهدید پاره‌ای عناصر در موقع مراجعه افراد به شعب به عمل می‌آید، انجمن نظارت مرکزی در نظر گرفته است که در تمام شعب شهر و حومه، نمایندگان دادستان حضور داشته باشند. علی‌هذا تقاضا دارد پانزده نفر از نمایندگان مجرب و موجه دادسرا را به انجمن معرفی نمایند که هر یک از آنها در یکی از شعب مرتباً حاضر باشند و اشخاصی که به تشخیص شعبه مظنون به حضور برای دادن رأی در نتیجه تهدید یا تطمیع تصور نمایند، مورد بازجویی قرار دهند.»<sup>۴۱</sup>

تا اینکه بالاخره انتخابات تهران از روز بیست‌ودوم آذر مجدداً شروع شد.<sup>۴۲</sup> همان روز علی سهیلی نخست‌وزیر از سمت خود استعفا داد ولی روز بعد مجدداً از سوی محمدرضا شاه مأمور تشکیل کابینه گردید.<sup>۴۳</sup> در روزهای بعد جریان انتخابات تهران همچنان ادامه یافت. در گزارشی که در سی آذرماه منتشر شد آمده است: «انتخابات تهران اینک در شرف اتمام است. اگر چه پس از شروع مجدد آن، شورش و شغب سابق از طرف طبقه منورالفکر برای شرکت در انتخابات دیده نمی‌شود ولی نباید انکار کرد که اصولاً از بادی امر تاکنون که تهران و حومه ایام انتخابی خود را می‌گذرانند و با بزرگترین نعم و یا مهمترین نعم مواجه است کمتر ائتلاف افشاده چنین جوش آزادی‌خواهی و خروش مشروطه‌طلبی از مردم ابراز کرده...»<sup>۴۴</sup>

تا اینکه بالاخره در پنجم دی‌ماه انتخابات تهران به پایان رسید. جمع کل آرای مأخوذه ۴۱۷۵۴ نفر بود. حائزین اکثریت آراء به این شرح معرفی شدند:

## ■ رادیو، در اوج جنگ انتخاباتی مجلس چهاردهم در تهران، سخنرانی سیدحسین طباطبایی را تحت عنوان «رأی دادن به وکلای صالح، یک فریضه ملی است»، پخش کرد. این سخنرانی تنها نمونه فعالیت مستقیم رادیو در انتخابات مجلس شورای ملی در آن ایام بود.

دکتر صدق (۱۶۸۷۷ رأی)؛  
سیدمحمدصادق طباطبایی (۱۶۶۱۱ رأی)؛  
مومن الملک پیرنیا (۱۴۵۱۷ رأی)؛ نیروز  
آبادی (۱۱۰۷۰ رأی)؛ جلال عبده (۹۹۱۳  
رأی)؛ رضازاده شفق (۹۲۰۴ رأی)؛ علی دشتی  
(۸۹۰۶ رأی)؛ سعودی (۸۵۶۰ رأی)؛ مهندس  
فریور (۸۵۰۸ رأی)؛ بهیانی (۸۴۳۱ رأی)؛  
تهرانچی (۷۷۰۹ رأی) و حکمت (۶۹۱۷  
رأی).<sup>۲۵</sup>

در این میان نکته قابل توجه رأی مردم به  
مرحوم آیت‌الله کاشانی بود. در جریان  
انتخابات، ایشان از سوی مردم تهران به  
نماینده‌ی انتخاب شدند. ولی به دلیل آنکه  
اندکی قبل از آن توسط نیروهای خارجی مستقر  
در تهران به جرم ضدیت با متفقین تحت تعقیب  
قرار گرفتند، اسم ایشان از لیست حائزین  
اکثریت آراء حذف شد. بحث خود پیرامون  
«مطبوعات و انتخابات مجلس چهاردهم» را با  
اشاره به فعالیت رادیو در رابطه با این انتخابات  
به پایان می‌بریم. با در نظر داشتن این نکته که  
در زمان مورد بحث این مقاله (۱۳۲۲) هنوز  
بیش از چهارسال از تأسیس رادیو تهران  
به‌عنوان یک ارگان وابسته به دولت نگذشته  
بود، مروری بر چگونگی برخورد این رسانه  
دولتی با انتخابات خواهیم داشت. از ابتدای  
شروع انتخابات در کشور (مردادماه) تا دهم  
شهریور، بحث خاصی در رادیو پیرامون  
انتخابات انجام نشد. در این روز، دکتر رضازاده  
شفق یک سخنرانی راجع به «وظایف  
اجتماعی» در رادیو ایراد کرد.<sup>۲۶</sup> شش روز بعد،  
اعلامیه‌ای از سوی اداره تبلیغات و انتشارات  
تحت عنوان «آگهی رادیو» و با تیتیر «در  
حکومت مشروطه دولت خدمتگزار ملت  
است نه ملت خدمتگزار دولت» منتشر شد. در  
این اعلامیه آمده است: «هر ایرانی حق دارد از  
چگونگی و چرای تمام کارها مطلع باشد  
(به‌استثنای موارد خیلی نادر). اداره تبلیغات

عهده‌دار این وظیفه بوده و به منزله چشم و  
گوش و زبان شماس است. هر سؤالی دارید کتباً  
بفرستید و مطمئن باشید که هیچ پرسش  
معتولی بلا جواب نخواهد ماند.»<sup>۲۷</sup>

علی‌رغم صدور اعلامیه فوق در روزها و  
هفته‌های بعد موضوعات مطرح شده در  
سخنرانی‌های رادیویی ارتباطی با موضوع  
انتخابات مجلس چهاردهم ندارد و  
سخنرانی‌های مزبور عمدتاً حول مسائل  
متفرقه‌ای نظیر: «بعد از جنگ - پرنندگان ایران -  
گله‌های سعدی از شکسپیر و استقلال  
چکسلواکی» دور می‌زد. در اوایل آبان‌ماه همان  
سال حسن صدر راجع به زن و انتخابات در  
رادیو سخنرانی می‌کند.<sup>۲۸</sup> چند هفته بعد نیز در  
رابطه با همین موضوع یعنی «دادن حق رأی به  
زنان» کنتل پایبوس معاون وابسته نظامی  
سفارت انگلیس در تهران سخنانی در رادیو  
ایراد کرد.<sup>۲۹</sup> در بحبوحه انتخابات مجلس در  
تهران هنگامی که تحت فشار انجمن مرکزی  
نظاره، مطبوعات و گروه‌های مردم، وزیر کشور  
ناچار شد شهردار تهران را برکنار نماید، حکم  
برکناری مشارالیه «... در رادیو بر حسب دستور  
دولت، برخلاف حقیقت و به شکل استفاده  
آقای بیرامی شهردار تهران از مرخصی خود  
انتشار یافت.»<sup>۳۰</sup>

و بالاخره در همان زمان و در اوج جنگ  
انتخاباتی در تهران بود که رادیو تهران سخنرانی  
سیدحسین طباطبایی تحت عنوان «رأی دادن به  
وکلای صالح یک فریضه ملی است»<sup>۳۱</sup> را  
پخش می‌نماید. این سخنرانی تنها نمونه از  
فعالیت مستقیم رادیو در طی انتخابات مجلس  
شورای ملی بود. □

### منابع:

۱. روزنامه عرفان، چاپ اصفهان، به نقل از روزنامه ستاره،  
ش ۱۵۳۴، ۱۳۲۲/۳/۱۶، ص ۳.
۲. روزنامه تجدد ایران، چاپ تهران، به نقل از روزنامه  
ستاره، ش ۱۶۳۵، ۱۳۲۲/۷/۲۵، ص ۳.
۳. روزنامه ستاره، ش ۱۵۶۸، ۱۳۲۲/۴/۲۷، ص ۲.
۴. همان، ش ۱۶۷۵، ۱۳۲۲/۹/۱۳، ص ۴.
۵. همان، ش ۱۵۶۹، ۱۳۲۲/۴/۲۸، ص ۱ و ۴.
۶. همان، ش ۱۵۶۸، ۱۳۲۲/۴/۲۷، ص ۱.
۷. روزنامه تجدد ایران، به نقل از روزنامه ستاره،  
ش ۱۶۳۵، ۱۳۲۲/۷/۲۵، ص ۳.
۸. روزنامه اطلاعات، ش ۵۳۴۶، ۱۳۲۲/۹/۲۳، ص ۲.
۹. همان، ش ۱۵۳۵۲، ۱۳۲۲/۱۰/۱، ص ۱.

۱۰. روزنامه ستاره، ش ۱۵۴۱، ۱۳۲۲/۳/۲۴، ص ۱ و  
۲.
۱۱. همان، ش ۱۵۳۹، ۱۳۲۲/۳/۲۲، ص ۱.
۱۲. همان.
۱۳. روزنامه کیهان، ش ۱۳۲۲/۵/۳، ص ۴.
۱۴. روزنامه ستاره، همان.
۱۵. همان.
۱۶. همان، ش ۱۵۴۳، ۱۳۲۲/۳/۲۶، ص ۲.
۱۷. همان، ش ۱۶۶۲، ۱۳۲۲/۷/۱۴، ص ۴.
۱۸. همان، ش ۱۵۹۸، ۱۳۲۲/۶/۲، ص ۱.
۱۹. همان، ش ۱۶۸۰، ۱۳۲۲/۹/۲۰، ص ۲.
۲۰. همان، ش ۱۵۵۳، ۱۳۲۲/۴/۸، ص ۳.
۲۱. روزنامه کیهان، ش ۱۳۲۲/۵/۳، ص ۴.
۲۲. روزنامه ستاره، همان، ص ۳.
۲۳. همان، ش ۱۵۵۶، ۱۳۲۲/۴/۱۲، ص ۲.
۲۴. همان، ش ۱۵۹۷، ۱۳۲۲/۶/۱، ص ۴.
۲۵. همان، ش ۱۶۳۴، ۱۳۲۲/۸/۴، ص ۲.
۲۶. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره  
۱۷/۸۱-۲۹۳-۴۶.
۲۷. همان، سند شماره ۱۷/۱۵۸-۲۹۳-۴۶.
۲۸. همان، سند شماره ۱۷/۲۰۹-۲۹۳-۴۶.
۲۹. روزنامه ستاره، ش ۱۵۴۷، ۱۳۲۲/۳/۳۱، ص ۲.
۳۰. همان، ش ۱۵۴۴، ۱۳۲۲/۳/۱۶، ص ۱.
۳۱. همان، ش ۱۵۴۳، ۱۳۲۲/۳/۲۶، ص ۱.
۳۲. روزنامه ایران، به نقل از روزنامه ستاره، ش ۱۵۶۷،  
۱۳۲۲/۴/۲۴، ص ۳.
۳۳. همان، ش ۱۵۹۵، ۱۳۲۲/۷/۲۱، ص ۱.
۳۴. همان، ش ۱۶۶۸، ۱۳۲۲/۹/۴، ص ۱ و ۴.
۳۵. سازمان اسناد ملی ایران، شماره  
۱۱۸۴۸-۱۰۳۰۱۴.
۳۶. روزنامه ستاره، ش ۱۶۶۹، ۱۳۲۲/۹/۶، ص ۱ و  
۴.
۳۷. روزنامه اطلاعات، ش ۵۳۳۵، ۱۳۲۲/۹/۹، ص ۱.
۳۸. لازم به ذکر است در چهارم آذر ۱۳۲۲، اساتین و  
هیأت همراه و در روز پنجم آذر، روزولت و پیرچیل همراه  
یک هیأت عالی‌رتبه وارد تهران شدند. بدین ترتیب انجمن  
سرن متفقین در تهران تشکیل شد این انجمن تا دهم  
آذرماه ادامه یافت. رکن. روزنامه ستاره، ش ۱۶۷۶،  
۱۳۲۲/۹/۴، ص ۱ و ۴.
۳۹. همان، ش ۱۶۷۹، ۱۳۲۲/۹/۱۸، ص ۱.
۴۰. همان، ص ۲.
۴۱. همان، ش ۱۶۸۰، ۱۳۲۲/۹/۲۰، ص ۲.
۴۲. همان، ش ۱۶۸۱، ۱۳۲۲/۹/۲۱، ص ۲.
۴۳. همان، ش ۱۶۸۳، ۱۳۲۲/۹/۲۴، ص ۲.
۴۴. همان، ش ۱۶۸۸، ۱۳۲۲/۹/۳۰، ص ۱ و ۴.
۴۵. همان، ش ۱۷۲۵، ۱۳۲۲/۱۱/۱۷، ص ۲.
۴۶. همان، ش ۱۶۰۴، ۱۳۲۲/۶/۹، ص ۲.
۴۷. همان، ش ۱۶۱۰، ۱۳۲۲/۶/۱۶، ص ۳.
۴۸. همان، ش ۱۶۶۵، ۱۳۲۲/۸/۸، ص ۲.
۴۹. همان، ش ۱۶۶۰، ۱۳۲۲/۸/۲۵، ص ۲.
۵۰. همان، ش ۱۶۷۹، ۱۳۲۲/۹/۱۸، ص ۱.
۵۱. همان، ش ۱۶۷۸، ۱۳۲۲/۹/۱۶، ص ۲.